

یادداشت های پراکنده  
از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی  
مترجم: فریده کمال

بخش هفتم

خوش مخند ای آفتاب! آنجا که آید بوی مرگ  
از گل آمال مهرویان دل ناشادها  
نغمه بر مرغ چمن باشد حرام، آنجا که هست  
بسته در زنجیر زندان لمه آزادها  
خفته آنجا بانوی فرخنده خوی نیک پی  
آن که خون از خامه ریزد جای اشک از یادها

۲ - افغانستان:



گفتار وطن پرستانه پشتون ها در حالت فعلی، منعکس کننده یک احساسی ست که بحران هویتی را نشان می دهد. این همه از آن وقتی به وجود آمد که پروسه احیای مجدد زندگی سیاسی در کنفرانس بُن در ماه دسامبر ۲۰۰۱ و جنوری ۲۰۰۲، هیچ یک از شخصیت های سیاسی پشتون، نمایندگی پشتون ها را به عهده نگرفت، و نه سبب بسیج نمودن آن ها در هنگام انتخابات ریاست جمهوری و یا انتخابات قوای مقننه، که بالای موضوع امنیتی اثری به سزای دارد، گردید.

برعکس باز گشت دوباره شورشیان با یک نیروی بسیار قوی در شروع سال ۲۰۰۶ به مشاهده رسید. سبب این قوت شورشیان به صورت انکار ناپذیر دلالت بر بلند رفتن قوای لوژیستیکی از یک طرف، و برخوردار بودن از افزایش حمایت مردم از طرف دیگر می باشد.

باوجودی که پشتون ها یک کتله خیلی ها مهم جامعه را در بر می گیرند، لکن هیچ نوع طرح ریزی در یک برنامه سیاسی برای این طبقه پیش بینی نگردیده و این احساس دور کردن یا حذف کردن، به صورت بطی و دوامدار برخاسته از پروسه بُن، باعث ضعیف شدن قدرت دولت گردید.

اعراض پروسه رد نمودن دولت در تمام اقشار جامعه و در تمام اقوام به صورت مشترک هویدا است، اما عکس العمل تنها در نزد پشتون ها محدود می ماند، که قادر به نشان دادن عدم موافقت و یک جواب به محرومیتی که توسط پروسه بُن به وجود آمد، بوده، که به طبقه فقیر در روستا ها تعلق می گیرد.

## ملیت گرائی پشتون ها:

نتایجی ریسرچ که در ساحه تهیه گردیده، عبارت اند از:

- یک خشم شدید هویتی پشتون ها

- یک درز کلان بین نسل ها (générationnel)

- دوباره رجوع نمودن یا نقل قول کردن از ملیت گرائی سال های ۷۰.

دو موضوع ملیت گرائی و وطن پرستی، پشتون ها را به هم پیوست می دهد، که در سخنرانی های سال های ۷۰ حضور داشت:

- دفاع از زبان پشتو

- به رسمیت نشناختن خط دیورند

این دو موضوع که رجعت هویتی دارد به صورت بسیار وسیع دوباره امروز روی کار گرفته شده، و تمام مشکلات امروزی ارتباط می گیرد به پروسه احیای دوباره دولت.

سوال زبان، یک نگرانی کلان در اوضاع، احوال و شرایط امروزی، که رسانه ها به صورت سرسام آور در حال افزایش است، و عدم کنترل، تنظیم و نظارت این سکتور از طرف دولت، در حقیقت استعفاً دادن در مقابل مسئولیت فرهنگی دولت می باشد.

سوال ضروری، که همانا نشناختن خط دیورند است برای دولت افغانستان یک موضوع خیلی مهم و اساسی می باشد.

تعدادی زیادی از شخصیت های سیاسی و طبقه روشنفکران در سطح محلی ( شخصیت های روشنفکران محلی که در بین یک ولایت یا چند ولایت رسوخ دارند، نه به سطح ملی ) که با آن ها گفتگو صورت گرفت، به قرار تصور آن ها، این سوال، یک سوالی حیثیت و آبرو به شمار رفته و به صورت بسیار شدید به هویت پشتون ها ارتباط می گیرد. مطرح حیثیت، آبرو و شرف در مورد این سوال ما را به این نتیجه می رساند که به هیچ قیمت و به هیچ دلیل

جیوستراتژیکی نمی شود بالای آن معامله کرد. بر عکس یک نظر و عقیده خیلی بارزی که در منطقه وجود دارد این است که بلند رفتن خشونت های مسلحانه علیه شخصیت های سر قدرت در ولایات و بالای قوای بین المللی، نتیجه فعالیت های تخریب کارانه پاکستان است، قرار این فکر و عقیده جاری و فعلی پاکستان، از این حالت تخریب کارانه در افغانستان حفاظت نموده تا در موضوع خط دیورند تصمیم گرفته نشود.

### به قرار مطالعه و ریسرچ در این مورد استنباط می شود که:

موضوع خط دیورند در گفت و گو، صورت بسیار وسیع در نزد دو نسل نمایان است. لکن یک تعداد دیگر واضحاً می گویند که گرچه موضوع خیلی حاد است، اما فعلاً از سرعت این موضوع به حیث یک پروژه سیاسی کاسته شده است.

### اشخاص بین چهل و شصت ساله:

نسلی که امروز بین ۴۰ تا ۶۰ سال عمر دارند همیشه ریفرانس شان بر می گردد به موضوع ملی گرائی پشتون، این طبقه بسیار زیاد تعلیم یافته هستند، و این نسل روشنفکران را تشکیل داده است. و این ها نشان دهنده میراث شگوفائی، چه در شهر و چه در قریه جات می باشند.

در محیط شهری، نمایندگی از سیاستمداران را این طبقه روشنفکران تشکیل می دهد.

سویه تعلیمی و ارتقاء این طبقه ارتباط می گیرد به پوهنتونی که در آن تعلیم یافته اند. (پوهنتون پشاور که توسط سیاف در سال های ۸۰ رهبری می شد، و یا یک تعداد زیاد دیگر پوهنتون ها که مربوط به ممالکی که به شوروی سابق در گذشته ارتباط داشتند).

در دهات و قریه جات نمایندگی اهالی منطقه را زمین داران به عهده دارند، که بعضاً از تعلیم عیناً مانند طبقه فوق الذکر برخوردار و دارای تشکیلات بوده و صلاحیت پیشبرد گفت و گو را بین قبیله ها و نمایندگان دولتی دارند. و اکثراً در وضعیت دشوار و احساس در مقابل اهالی قریه جات که از آن ها نمایندگی می کنند، قرار دارند.

نمایندگان رسمی و سنتی دولت، اکثراً از طرف اهالی در هر اجتماعی که هستند آغشته به فساد پنداشته شده، پیامد آن از بین رفتن هویت و اعتبار شان نزد جامعه می باشد.

### نسل های بین ۲۰ تا ۴۰ ساله:

نطق، خطابه و گفتار ملی گراهای پشتون یک تأثیر به سزای بالای نسل ۲۰ - ۴۰ ساله داشته و در این نسل بسیار زیاد شنونده دارند، اعضای این نسل تمام عناصر و مواد خطابه را به صورت کامل و دقیق گوش می کنند و از طرف دیگر رهبران، پیمان کاران سیاسی و روشنفکر، نسل قبلی به صورت بسیار خشن نظر به ارتباطات شان به سیستم سیاسی گذشته، که درز های عمیق از خود به جای گذاشته اند و ناکامی شان ثابت گردیده است، مورد انتقاد قرار گرفته، و این اشخاص یا پیمان کاران شهری، تعلیم یافته قبلی به دلیلی مورد انتقاد قرار دارند، که زیادتیر به مفاد شخصی خود شان

کار می‌کنند. و این نسل ۲۰ - ۴۰ ساله امروز در افغانستان به صورت قطعی نسل قبلی را نمی‌پذیرند، چه کمونیست‌ها باشند و یا مجاهدین، که باعث جنگ‌های داخلی گردیدند. جوانان آن‌ها را فساد پیشگان و فاقد قدرت کاری می‌پندارند، البته رد نمودن این اشخاص ارتباط به تمام اقشار جامعه افغان می‌گیرد.

رد این طبقه سیاسی افغان دلالت به پروسه غیرمشروع بودن سیستم سیاسی مینماید که در پروسه بُن‌بوجود آمده است. در جامعه پشتون این رد مخصوصاً در طبقه بی‌بضاعت، حمایت طالبان را همراهی می‌کند.

### از دست دادن مشروعیت و صلاحیت اقتدار دولت و حمایت از شورشیان:

یک دلیل بزرگ حمایت از شورشیان مخصوصاً در سطح محلی، تضعیف و کاهش تدریجی مشروعیت اقتدار دولت می‌باشد. این تضعیف دلیل خود را از پدیده که ارتباط می‌گیرد به خشونت که مردم از ادارات و قدرت‌های دولتی که بیطرف تلقی نمی‌شوند، متحمل می‌شوند.

دلیل این عدم موجودیت بیطرفی نمایندگان در سطح محل ارتباط به شبکه قدرت‌های غیر قانونی یا غیر رسمی، که نتیجه میراث جنگ علیه اشغال شوری است می‌باشد.

نامیدن این چنین اشخاص به پوست‌های دولتی به نظر اهالی، موفقیت یک حزب بالای حزب دیگر تلقی می‌شود، که در جنگ‌های داخلی سهیم بودند. خشونتی که توسط این نماینده‌های دولتی بالای مردم تحمیل میشود اقسام زیاد دارد.

- عملی کردن وسیع فساد اداری، که بر علاوه نمایندگان دولتی نمایندگان قبائل را نیز لکه دار ساخته است.

- خشونت فزینی و مسلحانه از طرف قوای پولیس.

تا به سال ۲۰۰۶ شورشیان از همکاری اهالی جهت پیشبرد شورش علیه دولت مستفید نبودند، و قسمت اعظم مردم از طالبان حمایت نمی‌کردند، اما با آن‌ها تماس داشتند، به این ترتیب وقتی که شورشیان ساحه نفوذ شان وسیع و به قریه جات شان نزدیک می‌شوند، اهالی از روان کردن اطفال شان به مکاتب جلوگیری می‌کنند. طوری استنباط می‌شود که مردم به طرف طالب‌ها رو آورده‌اند، زیرا که قدرت شان زیاد، و گسترش پیدا نموده است.

به طور مثال شورشیان به بسیار آسانی در مورد کشت کوکنار تبلیغات می‌کنند.

مبارزه از بین بردن کشت و تولید کوکنار توسط مقامات دولتی مواجه به ناکامی گردید، و هم یک نتیجه اسفناک بالای زارعین آسیب پذیر داشت. طالبان می‌دانند که زارعین و دهاقین به درآمد ناشی از کشت کوکنار ضرورت حیاتی دارند، فلذا از حمایت نمودن این طبقه آسیب پذیر استفاده کرده و آن‌ها را به کشت کوکنار که نشان دهنده نارضایتی شان در مقابل دولت است، تشویق می‌نمایند.

چنین فکر شود که طالب‌ها تنها حمایت طبقه فقیر که از تعلیم برخوردار نیستند، دارند، لکن خطر وجود دارد که جوانان بسیار تعلیم یافته که به طبقه متوسط جامعه شهری ارتباط و همراهی نهاد‌های غیر دولتی ممالک غربی کار می‌کنند، این خشونت‌های مسلحانه را که شورشیان به آن متوسل گردیده‌اند، غیر مشروع بدانند.

در گفت و گوی که با یکی از آن ها که در کابل زندگی می کند، داشتم، در مورد حملات انتحاری چنین بیان داشت:

«در حالت امروزی این حملات انتحاری مشروع است! دیگر انتخاب ندارند»، وقتی از این شخص، در مورد این که مقصدش چیست سوال شد؟ جواب داد «دیدن این حالت فعلی»، وی دقیقاً و به صورت مشخص چنین اظهار نمود:

- در موقعیت غیر قابل تحملی که یک قسمت اعظم مردم در آن دست و پا می زنند و غرق شده اند:

در بین، از یک طرف دستگاه دولتی و قوای بین المللی و از طرف دیگر شورشیان مسلح، زیر شکنجه قرار دارند.

- در شرایط و موقعیتی که این گفت و گو صورت گرفت، این موقعیت گیری قابل فهم است، فوراً بعد از عید قربان و اعدام صدام حسین، و در این شرایط بین المللی، که به صورت دوامدار اوضاع بین المللی متلاطم، (عملیات نظامی اسرائیل در لبنان، اخبار در مورد عراق، و درگیری اسرائیل و اعراب).

ادامه دارد....